

## عاشق خلاف های سنگین بودم



**در این ستون زندگی قاتلانی را که سرانجامی جز مرگ نداشتند، بر اساس محتویات پرونده و با روایتی از سوی خودشان مرور کرده ایم. این هفته سراغ قاتلی رفتیم که مامور محافظ بانک را کشت.**

همیشه عاشق کارهای بزرگ بودم. به همین خاطر اهل ریسک بودم تا به نتیجه ای که می خواهم، برسم. دوست داشتم پولدار باشم و زندگی راحتی را تجربه کنم. به همین خاطر تصمیم به سرقت گرفتم. دوست نداشتم سراغ دله دزدی بروم و نقشه سرقتی بزرگ در سر داشتم؛ سرقتی که یک شبه با آن پولدار شوم. بعد از بررسی گزینه ها به این نتیجه رسیدم به بانکی دستبرد بزنم و به آرزویم برسم. موضوع را با دو نفر از دوستانم در میان گذاشتم و آنها هم وسوسه پول، گرفتارشان کرد و قبول کردند با من همراه شوند. چند بانک را زیر نظر گرفتیم تا این که سراغ بانک کشاورزی نجف آباد رفتیم. حجم پولی که در این شعبه رد و بدل می شد، می توانست مشکلات هر سه نفر ما را حل کند. چند روز آنجا را زیر نظر گرفته و سرانجام در آخرین روز خرداد ۱۳۸۳ با اسلحه وارد بانک شدیم و ساک های خود را مقابل صندوقداران انداخته و از آنها خواستیم پرتشان کنند. همه چیز خوب پیش می رفت تا این که ناگهان مامور پلیسی وارد بانک شد؛ مسلح بود و برای فرار با او درگیر شدیم. او یکی از همدستانم را هدف گلوله قرار داد و کشت و من هم با شلیک گلوله ای او را به شهادت رساندم. همدست دیگرم هم با دیدن این شرایط خود را تسلیم کرد. با تیراندازی از آن محصنه رها شده و خود را به بیرون از بانک رسانده و فرار کردم. ۱۱ سال زندگی مخفیانه داشتم. برای مدت طولانی در جایی نمی ماندم تا پلیس ردم را بزند و دستگیر شوم. در شهرهای مختلف بودم تا این که ماموران هنگام کار با هویت جعلی در یک دامداری به من مشکوک شده و شناسایی ام کردند. روزی که ماموران وارد دامداری شدند، خودم را در میان علوفه ها مخفی کردم اما پیدایم کرده و همه چیز لو رفت. بعد از دستگیری روند رسیدگی به پرونده و صدور حکم هشت سال طول کشید و با درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شدم و حکم در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد. تلاش هابرای جلب رضایت اولیای دم بی نتیجه بود و آنها سحرگاه دی ماه سال گذشته در زندان اصفهان حکم را اجرا کردند.



به گفته سرهنگ پاشایی، به هیچ وجه متقاضیان مسکن چه در حوزه اجاره و چه خرید، نباید پیش از بازدید از ملک، مواجهه با مالک، مشاهده اسناد مالکیت و اطمینان از صحت مدارک وجهی را واریز کنند. وی اضافه کرد: علاوه بر مسکن، در هر معامله غیر حضوری باید پیش از هر پرداختی، صحت و راستی آزمایی انجام شود و بهترین شیوه استعلام مدارک و رویت فیزیکی موضوع مورد معامله است.

معاون فرهنگی اجتماعی پلیس فتای فراجا از دستگاه های ناظر بر فعالیت سکوها تبلیغاتی نیز خواست تا در این ایام نظارت بیشتری بر فعالیت مشتریان خود داشته باشند و فضا را برای فعالیت کلاهبرداران و سودجویان تنگ کنند.

## راز گشایی از قتل هولناک دختر جوان

خاطره

**کشف راز قتل دختری جوان که قربانی جنایت هولناک نامزدش شده بود  
خاطره یکی از کارآگاهان پلیس آگاهی است که این هفته روایت کرده ایم.**

دستور دادم پسر جوان احضار شود تا حضوری از او تحقیق کنم. ساعتی بعد پسر قد بلندی روبه رویم نشست و گفت که هیچ خبری از نامزدش ندارد و از شنیدن خبر مرگش در شوک است. به او گفتم فعلا از شهر خارج نشود و در دسترس باشد. با هماهنگی قضایی قرار شد، روز گمشدن مرجان آتن دهی موبایل خانواده اش را بررسی کنند که ساعتی بعد اعلام شد گوشی مرجان و نامزدش در یک محل آتن دهی داشته است. با کشف این سرنخ، دستور بازداشتش را از بازپرس پرونده گرفتم. مهران بازداشت شد. از او خواستم واقیعت را بگوید که باز هم ادعاهای قبلی اش را تکرار کرد و مدعی بود در مرگ نامزدش هیچ دخالتی نداشته است. به او گفتم اگر واقیعت را بگوید به نفع خودش است که بعد از مکثی طولانی به قتل مرجان اعتراف کرد و گفت: روز حادثه با نامزدم قرار شد بیرون برویم و تفریح کنیم. صبح زود بود و او می خواست لباس بخرد اما همه جا بسته بود. یکدفعه دعوای مان شد و در اوج عصبانیت دستم را جلوی دهانش گرفتم. مرجان کبود و بیهوش روی زمین افتاد. تازه فهمیدم چه کار کرده ام و برای خلاصی از جسد، آن را مثله کرده و در سطل زباله رها کردم. در این مدت با صحنه سازی سعی کردم خود را بی گناه نشان دهم اما خون مرجان دامن من را گرفت و دستگیر شدم. با اعترافات مهران، راز این جنایت هولناک فاش و متهم پس از تحقیقات روانه زندان شد.

خاصی بود. به ماموران کلانتری گفتم، به احتمال زیاد مقتول ساکن همان منطقه کشف جسد باشد. با عکس طرح ناخن به تمام آرایشگاه های زنانه محل سر بزنید و ببینید این طرح کدام ناخن کار است. از سوی دیگر با بررسی پرونده های فقدانی مشخص کنند، در روزهای گذشته چه کسی با مشخصات دختر جوان اعلام مفقودی کرده است. روز بعد یکی از ماموران تماس گرفت و گفت: به چند آرایشگاه سر زدیم که یکی مدعی شد این طرح را روی ناخن های دختر جوانی به نام مرجان کار کرده است. با شناسایی او و بررسی های پرونده های مفقودی متوجه شدیم پنج روز قبل مادر او گم شدن دختر ۲۰ ساله اش را اعلام کرده است. قرار شد آزمایش DNA گرفته شود تا مطمئن شویم جسد مثله شده متعلق به مرجان است. پس از تایید آزمایش، خانواده او برای تحقیقات مقدماتی به اداره قتل آمدند. مادر او که در شوک مرگ فجیع دخترش بود، شروع به حرف زدن کرد و گفت: چند روز قبل ساعت ۴ صبح دخترم گفت با دوستانش به کوه می رود. صبح زود از خانه بیرون رفت و دیگر برنگشت. عصر هرچه زنگ زدیم پاسخگوی تلفن نبود و بعد گوشی اش خاموش شد. با دوستانش تماس گرفتم و فهمیدم دخترم پیش آنها نرفته و برنامه ای هم برای کوه رفتن نداشتند؛ به همین دلیل گمشدن دخترم را به پلیس اطلاع دادم و با نامزدش مهران تماس گرفتم که او گفت اطلاعی از مرجان ندارد.

چند سال قبل، تلفن کشیک قتل پلیس آگاهی را تحویل گرفتم. هنوز دقایقی از تحویل تلفن همراه نگذشته بود که زنگ آن به صدا درآمد. پشت خط مامور یکی از کلانتری های تهران بود. «سلام کارآگاه در یکی از سطل های زباله منطقه ای در مرکز شهر چند قطعه از جسد مثله شده یک زن را پیدا کردیم.» با گرفتن آدرس محل کشف جسد، دستور دادم صحنه را حفظ کرده تا خودم به محل بروم و پزشکی قانونی و تشخیص هویت را هم خبر کنند. روز تعطیل بود و ۴۰ دقیقه ای به محل کشف جسد رسیدم. داخل یک سطل در سه نایلون زباله قطعات مثله شده یک دختر جوان بود. دستور دادم گشت های پلیس سایر سطل های منطقه را جست و جو کنند تا اگر عضو دیگری وجود دارد کشف شود. نوع رها کردن جسد نشان می داد قاتل می خواسته پیکر مقتول کشف شود که آن را در داخل سطل رها کرده است. تا تیم بررسی صحنه جرم و پزشکی قانونی جسد را معاینه کند، خودم و دو مامور کلانتری سری به اطراف منطقه زدیم و دوربین های چند خانه و مغازه های اطراف را چک کردیم که هیچ سرنخی به دست نیامد. حضور تیم های پلیسی و پزشکی قانونی در باعث شد اهالی با کنجکاوی در محل جمع شوند، به همین خاطر بازپرس دستور داد جسد را سریع به پزشکی قانونی منتقل کنند که مردم با آن صحنه فجیع روبه رو نشوند. پزشکی قانونی اعلام کرد ۴۸ تا ۷۲ ساعت از وقوع قتل می گذرد و به احتمال زیاد مقتول ابتدا خفه شده و بعد جسد مثله شده است.

با بررسی لباس مقتول متوجه شدیم مدرک شناسایی همراه جسد نیست اما ناخن های این دختر دارای طرح

